



ضرورت حجاب در ترازوی منطق و عقلانیت

حجت‌الاسلام محمد الهی خراسانی در گفت‌وگو با خراسان، از سر فصل‌های «صیانت از خانواده»، «امنیت روانی و باز دهی کار» و «هویت ایرانی اسلامی» به عنوان دلایل سه‌گانه در تبیین ضرورت حجاب برای جوانان و اقشار نخبه جامعه نام برد

وقتی بانوی ایرانی حجاب را رعایت می‌کند، فقط در چار چوب عمل به یک واجب شرعی قرار نمی‌گیرد، او پرچمدار نگاه عزّت‌مندانه به زن است، نگاهی انسانی که به زن شخصیت می‌دهد و برای او جایگاه انسانی قائل می‌شود. این نگاه معتقد است که زن باید در جامعه حضوری فعال، اما عقیفانه داشته باشد. بانوان ما با حجاب خودشان، این نماد تمدنی راسر دست می‌گیرند. اگر می‌بینید امروزه در برخی کشورهای غربی، مانند فرانسه، به بهانه مقابله با نمادهای دینی، به مبارزه با حجاب می‌پردازند، ریشه در همین مسئله دارد. مقابله با نمادهای دینی بهانه است؛ آن‌ها می‌دانند که بانوان مسلمان، با حجاب خودشان، نظام ارزشی غرب را به چالش می‌کشند و زنان غربی را به سوی نگاهی انسانی از زن فرامی‌خوانند. به همین دلیل است که سیاستمداران غربی، چنین به مقابله با حجاب برخاسته‌اند

بلکه فراتر از این، باید گفت که رعایت حجاب، امنیت آحاد جامعه، ام از زن و مرد را تأمین می‌کند. **برخی معتقدند که بخشی از ادله مربوط به اثبات ضرورت رعایت حجاب در جامعه، به بنیان‌های هویتی و عرفی ما برمی‌گردد. اگر ممکن است درباره این مسئله نیز توضیحاتی ارائه بفرمایید.** این موضوع می‌شود رویکرد دسومی که می‌خواهم درباره اش صحبت کنم. رویکرد سوم، ناظر به هویت ایرانی اسلامی است. به معتقدیم که حجاب، فراتر از کارکردهای روان‌شناختی و جامعه‌شناختی‌اش، یک کارکرد هویت‌شناختی هم دارد؛ از این نظر که حجاب، همواره نماد شخصیت زن مسلمان بوده است؛ توجه کنید، نمی‌گوییم زن مسلمان، می‌گوید شخصیت زن مسلمان. زن مسلمان با حجاب خودش اعلام می‌کند که من، ضمن عمل به دستور اسلام، جلوی نگاه استثمارگرانه به زن را می‌گیرم و در مقابل رفتارهای غیر اخلاقی جنسی، این چنین واکنش نشان می‌دهم و اجازه نخواهم داد که شخصیت انسانی من قربانی جاذبه‌های جنسی من شود. در واقع زن مسلمان، با رعایت حجاب، این نوع نگرش را در جامعه مطرح می‌کند. بنابراین، حجاب در دل خودش، حامل یک پیام دینی، ارزشی و اخلاقی است. جالب این جاست که بانوی ایرانی، حتی قبل از اسلام هم با رعایت حجاب، چنین احساس خصیصیتی داشته و در جامعه ایرانی قبل از اسلام، بانوانی که جایگاه اجتماعی بالاتری داشتند، از پوشش کامل‌تری استفاده می‌کردند و این نشان می‌دهد که پوشش و حجاب بیشتر و کامل‌تر، نشان دهنده شخصیت بالاتر زن در آن جامعه بوده است. این نوع پوشش، حالا یک نماد است در برابر نگرش غربی به مقوله زن؛ نگرشی که با وجود شعارهای دهان‌پرکن، در واقع به دنبال استثمار زن است و نه آزادی بخشیدن به او. نگرشی که زن را عملاً به اسم آزادی، اسیر امیال جنسی مردانه می‌کند و جایگاه او را در حد یک کالای تجاری و جنسی، پایین می‌آورد و در خدمت نظام سرمایه‌داری قرار می‌دهد تا سود بیشتری را به جیب سرمایه‌داران بریزد. این نگرش، با زن چنین می‌کند تا از به عنوان یک نیروی انسانی جذاب و الهه آزاران، استفاده کند. به همین دلیل می‌بینید که در برنامه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای غرب، نقش تجاری استفاده از جاذبه‌های جنسی زنان، چنین پررنگ است. این رویکرد، البته به معنای تکریم جایگاه و شخصیت زن نیست، بیشتر به دنبال آن است که با بهره‌کشی از زنان، مسیر را برای رسیدن به مطامع اقتصادی سرمایه‌داران هموار کند. حجاب، یک «نه» بزرگ به چنین نگرشی است؛ یک نماد هویتی که امروزه در برابر آن چه غرب ترویج می‌کند، قد علم کرده است. امروزه حجاب، نه فقط در حوزه هویتی، بلکه در حوزه تمدنی هم به ایفای نقش می‌پردازد و نگرشی را که جایگاه زن را به یک کالای تجاری تنزل داده است، به چالش می‌کشد. وقتی بانوی ایرانی حجاب را رعایت می‌کند، فقط در چارچوب عمل به یک واجب شرعی قرار نمی‌گیرد، او پرچمدار نگاه عزّت‌مندانه به زن است، نگاهی انسانی که به زن شخصیت می‌دهد و برای او جایگاه انسانی قائل می‌شود. این نگاه معتقد است که زن باید در جامعه حضوری فعال، اما عقیفانه داشته باشد. بانوان ما با حجاب خودشان، این نماد تمدنی راسر دست می‌گیرند. اگر می‌بینید امروزه در برخی کشورهای غربی، مانند فرانسه، به بهانه مقابله با نمادهای دینی، به مبارزه با حجاب می‌پردازند، ریشه در همین مسئله دارد. مقابله با نمادهای دینی بهانه است؛ آن‌ها می‌دانند که بانوان مسلمان، با حجاب خودشان، نظام ارزشی غرب را به چالش می‌کشند و زنان غربی را به سوی نگاهی انسانی از زن فرامی‌خوانند. به همین دلیل است که سیاستمداران غربی، چنین به مقابله با حجاب برخاسته‌اند

باشد، زمینه شهوترانی خارج از ضابطه فراهم‌تر است. این پاسخ اولیه به این اشکال، اما پاسخ مبنایی ما به این اشکال، این است که هیچ‌کس به اندازه پروردگار که انسان را خلق کرده، به اسرار وجودی او، ظرفیت‌های وجودی او، نیازهای وجودی او و همین‌طور آسیب‌های وجودی او، واقف نیست. وقتی خداوند حجاب را واجب می‌کند، می‌گوییم هر واجبی ریشه در مصلحتی دارد و اگر بی‌حجابی را حرام می‌کند، می‌گوییم هر حرامی ریشه در مسئله‌ای دارد و پروردگار، بهتر از ما می‌داند که مصلحت ضروری رعایت حجاب چیست و وقتی آن را واجب می‌کند، یقیناً در رعایت نکردن آن، مفسده‌ای مترتب است. حالا ممکن است کسی بگوید که این امر، یعنی صیانت خانواده که درباره اش صحبت کردیم، با حجاب کمتر از مقدار شرعی هم ممکن است؛ در پاسخ می‌گوییم که خدای متعال بهتر می‌داند که چه میزان از پوشش لازم است، چه میزان از مراعات حریم میان محرم و نامحرم ضرورت دارد تا بتوان با استفاده از ظرفیت آن، نهاد خانواده را حفظ کرد.

برگردیم به ادامه توضیحات شما درباره سه رویکرد؛ فکر می‌کنم رویکرد اول، یعنی صیانت از نهاد خانواده را توضیح دادید و حالا باید برویم به سراغ رویکرد دوم.

همین‌طور است؛ رویکرد دوم ما در تبیین ضرورت حجاب، ناظر به امنیت روانی و بازدهی کاری در جامعه است. ما می‌گوییم که یکی از مهم‌ترین کارکردهای حجاب، جلوگیری از افسارگسیختگی جنسی و ممانعت از تحریک‌های پیوسته، بی‌ضابطه و بیش از حد این‌غریزه در جامعه است و باعث می‌شود که از ضای میل جنسی، فقط از کانال همسر شرعی و در فضای خانواده ممکن باشد؛ یعنی روابط زناشویی این چارچوب و قاعده. حال در نظر بگیرید که با رعایت نکردن پوشش مناسب و روی آوردن به بدپوششی، افرادی که به هر دلیلی در جامعه حضور دارند، به‌طور دایم در معرض تحریک‌های جنسی باشند؛ در چنین حالتی، فردی که در معرض این تحریک‌ها قرار دارد، به‌طور طبیعی دیگر آرامش فکری ندارد، تمرکز فکری ندارد، ذهنش همیشه درگیر است و غریزه اش به صورت مکرر تحریک می‌شود. امروزه تحقیقات پزشکی ثابت کرده است که این تحریک‌های پیوسته و ترشحات هورمونی ناشی از آن‌ها، به شدت آسیب‌زاست؛ هم به لحاظ روانی و هم به لحاظ جسمی، هم برای مردان و هم برای زنان، یعنی زن و مرد نباید به صورت پیوسته در معرض تحریک‌های جنسی قرار بگیرند. این وضعیت آن‌ها را دچار افسردگی می‌کند، باعث خستگی روح و روان آن‌ها می‌شود. یکی از راه‌های جلوگیری از چنین وضعیتی، کم‌کردن زمینه این تحریک‌ها و از بهترین راه‌ها برای این مسئله، رعایت پوشش مناسب و نگه داشتن حریم در ارتباط هاست. این رفتار باعث می‌شود که عموم افراد، از آرامش روانی نسبی برخوردار باشند. این آرامش روانی، بازدهی کار آن‌ها را افزایش می‌دهد، فرد روی کار خودش متمرکز می‌شود، در فضای اداری و کاری، راحت‌تر وظایف خود را انجام می‌دهد و در فضای علمی، بهتر و دقیق‌تر بر فعالیت‌های پژوهشی و مطالعاتی خودش متمرکز می‌شود. باور کنید که این حرف را فقط ما نمی‌زنیم؛ امروزه در خیلی از کشورهای غربی به این نتیجه رسیده‌اند که برای پر بارتر شدن فضای آموزش و پژوهش، مقررات و نظارت بیشتری روی پوشش دانش‌آموزان و دانشجویان اعمال شود. مجموعه آیین‌نامه‌های انضباطی این مراکز آموزشی را دفتر نهاد مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها ترسیم و منتشر کرده است؛ اصلاً آدم وقتی متن این مقررات را می‌خواند، فکر می‌کند مربوط به مؤسسات آموزشی در جمهوری اسلامی ایران است! اما این مقررات را در دانشگاه‌های بزرگ و قدیمی غرب، مثل دانشگاه هاروارد وضع و اجرا کرده‌اند. این مقررات در برخی موارد بسیار سخت‌گیرانه است؛ مثلاً اجازه پوشیدن دامنی کوتاه‌تر از یک اندازه معین را به کسی نمی‌دهند، اجازه پوشیدن هر نوع شلوار را به دانشجویان نمی‌دهند، حتی درباره آرایش مو هم، تعریف‌های خودشان را دارند و گفته‌اند که خارج از این ضوابط را به هیچ‌وجه نمی‌پذیریم. خب چرا باید در دانشگاه که اساساً در آن اعتقادی به حجاب، در شکل و الگویی که ما می‌گوییم وجود ندارد، چنین مقررات سخت‌گیرانه‌ای را وضع و اجرا کنند؟! این اقدام یک دلیل بیشتر ندارد؛ محیط، محیط علمی است و در محیط علمی، دانشجو و استاد باید از تمرکز کافی برای آموختن و تحقیق برخوردار باشند و نباید پوشش‌های نامناسب و تحریک‌کننده، باعث شود که این تمرکز از بین برود. در محیط‌های آموزشی، بیش از هر جای دیگر به این تمرکز فکری برای بالا رفتن بازدهی نیاز است و به همین دلیل، با تدوین چنین آیین‌نامه‌هایی سعی می‌کنند مانع از هر هم خوردن تمرکز افراد در محیط دانشگاهی شوند. در جاهای دیگر هم همین‌طور است. ادارات را در نظر بگیرید؛ اگر یک کارمند با صحت و زبان و دختران، به همکار بدحجاب یا رباب رجوعی با این شکل و شمایل شود، چقدر بازدهی کار کاهش پیدا می‌کند؟ چقدر تمرکز برای انجام کارهایش دارد؟ چقدر آرامش فکری بهره‌مند است؟ همین‌را می‌شود به محیط‌های دیگر نیز تسری داد. بنابراین، بحث فقط این نیست که با رعایت حجاب و حفظ حریم محرم و نامحرم، می‌شود امنیت بانوان را تأمین کرد،

زن و شوهر وابسته است، البته کسی منکر کشش روحی نیست، ولی بخشی از این ظرفیت، بدون شک توسط غریزه و میل جنسی تأمین می‌شود و اگر این کشش غریزی، تحت تأثیر اتفاقاتی بیرون از نهاد خانواده قرار بگیرد، به‌طور طبیعی روی رابطه گرم زن و شوهر تأثیر می‌گذارد و اسباب سردی این رابطه مهم و راهبردی را در خانواده فراهم می‌کند. نتیجه چنین اتفاقی، آسیب دیدن نهاد خانواده و افراد عضو این نهاد است. سایه تضعیف رابطه میان زن و شوهر، بر سر دیگر اعضای خانواده هم خواهد افتاد و باعث شکل گرفتن شرایط بی‌ثباتی خواهد شد که در آن، به تدریج استحکام خانواده دچار تزلزل می‌شود و عواقب خسارت بار و گاه غیرقابل جبرانی در پی خواهد داشت. جالب این جاست که چنین رویکرد و نگرانه‌ای که اسباب ویرانی نهاد خانواده را فراهم می‌کند، تنها در رفتارهای زن و شوهر خلاصه نمی‌شود. وقتی دختر و پسر خانواده، پیش از ازدواج، به چنین فضایی ورود می‌کنند و عملاً از محدوده نظارت خانواده، یعنی نظارت پدر و مادر خارج می‌شوند و خودشان را از یک روند معقول، منطقی و عرفی منتهی به ازدواج خارج می‌کنند، باز هم این خانواده است که دچار آسیب جدی می‌شود. به همین دلیل، می‌گوییم که برای صیانت از نهاد خانواده، نیازمند تقویت عفت عمومی در جامعه هستیم. این عفت عمومی اگر مخدوش شود، اگر افراد مرزهای عفاف را رعایت نکردند، نتیجه آن تخریب نهاد خانواده خواهد بود. این سخن و نتیجه‌گیری مربوط به آن، فقط مختص ما نیست؛ سال‌هاست که اندیشمندان غربی هم به این نتیجه رسیده‌اند که یکی از آسیب‌های جدی بی‌بندوباری اخلاقی و بدپوششی‌های خارج از عرف جامعه، ضربه به نهاد خانواده و تضعیف این نهاد است و این مسئله را در بسیاری از تحقیقات و پژوهش‌های خودشان بازتاب داده‌اند، گفته‌اند که اگر نهاد خانواده در غرب، این چنین گرفتار تلاطم و اضمحلال شده است، ریشه در و ننگاری‌های اخلاقی و بی‌بندوباری‌های جنسی دارد و اتفاقاً علت بسیاری از این عوامل هم، برمی‌گردد به پوشش نامناسب؛ یعنی از چیزهایی که زمینه‌ساز و ننگاری جنسی می‌شود، همین پوشش نامناسب یا بدپوششی است. این پوشش نامناسب یا بدپوششی، باعث شکل گرفتن روابط خارج از ضابطه و و ننگاری می‌شود و همان‌طور که گفتیم، تأثیر مستقیم و منفی آن بر نهاد خانواده و تضعیف آن است. بنابراین، وقتی مبلغ و روحانی‌ما می‌خواهد از ادله مناسب در تبیین ضرورت حجاب برای جوانان و به‌ویژه جوانان نخبه‌اندیشگاهی ما صحبت کند، پس از ذکر این مقدمه، باید بگوید که اگر می‌خواهید زندگی رضایت‌بخشی را تجربه کنید، اگر مایل هستید طعم یک زندگی شیرین را بچشید، سعی کنید هر چه می‌توانید در پوشش و ارتباط خودتان، عفت و حیای بیشتری داشته باشید. این رویکرد به گرم‌تر شدن روابط زناشویی شما پس از ازدواج کمک شایانی می‌کند و باعث می‌شود هم از لحظات زندگی بیشتر لذت ببرید و هم حس بهتر و مثبت‌تری درباره زندگی مشترک داشته باشید. با چنین توضیحی که البته رویکرد نخست ما در تبیین ضرورت رعایت حجاب است، هم پدران و مادران و هم دختران و پسران می‌توانند دلیلی قانع‌کننده را پیش روی خود داشته باشند. بنابراین، قبل از آن که بر حکم شرعی حجاب تأکید کنیم، باید بر محل‌های تأثیر این حکم که یکی از مهم‌ترین آن‌ها صیانت از نهاد خانواده است، تأکید داشته باشیم.

اما ممکن است بعد از طرح این رویکرد، مخاطب بگوید که تعریف ما و شما از عفت و حیا فرق می‌کند. همین پوششی که شما آن را و ننگارانه و اسباب آسیب‌زدن به نهاد خانواده می‌دانید، نزد ما چنین ویژگی ندارد و حد و حدود آن به این اندازه نیست و با بی‌حجابی یا کم‌حجابی هم، آسیبی متوجه نهاد خانواده نمی‌شود. در برابر طرح این اشکال، چه پاسخی باید ارائه کرد؟

در برابر طرح این اشکال، یک پاسخ اولیه داریم و یک پاسخ مبنایی. پاسخ اولیه این است که ما می‌بینیم در کشورهای غربی که از نظر آزادی در پوشش، ظاهر مقداری آزادتر هستند، باز هم متولیان امر نتوانسته‌اند جلوی طغیان افسارگسیخته غریزه جنسی را بگیرند و با گذشت چند قرن از آغاز تغییرات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در غرب و نهادینه شدن برخی به اصطلاح ارزش‌ها در بین آن‌ها، همچنان آمار تعرض به زنان بالاست و رقم آن در محیط‌های کاری، آموزشی و حتی نظامی، سرسام‌آور است. مگر نه این است که طرح کنندگان این اشکال، مبنای سخن خود را فضای اجتماعی و فرهنگی غرب و ارزش‌های غربی قرار می‌دهند؟ پس چرا در این فضا که طبق تحلیل دوستان، باید امنیت برقرار باشد و کسی متعرض خانم‌ها نشود، با این میزان انحراف و تجاوز روبه‌رو هستیم؟ مگر در غرب، به‌طور رسمی، مراکز فساد از امکان فعالیت برخوردار نیستند؟ پس چرا افراد متجاوز و متعرض به زنان و دختران، نمی‌روند خودشان را در این مراکز خالی‌کنند و مزاحم زن و دختر مردم نشوند؟! علت این اتفاق و ناتوانی در کنترل غریزه، چیزی نیست جز رعایت نکردن جدی پوشش و حفظ حریم و ضوابط در ارتباط میان مردان و زنان. این یک مسئله بدیهی و بدون نیاز به ادله مختلف و متنوع است؛ هر چه پوشش بانوان بازتر و حریم روابط آن‌ها با مردان سست‌تر

جواد نوائیان رودسری- ۱۵ فروردین ماه امسال، رهبر معظم انقلاب، در دیدار مسئولان نظام، ضمن بررسی و ارائه کار در موضوعات مختلف، به بحث حجاب نیز گریزی زدند و گفتند: «کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند، نمی‌دانند این را؛ اگر بدانند که پشت این کاری که این‌ها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند؛ من می‌دانم. خیلی از این‌ها کسانی هستند که اهل دینند، اهل تضلعند، اهل ماه رمضانند، اهل گریه و دعا بیند، [منتها] توجه ندارند که چه کسی پشت این سیاست رفع حجاب و مبارزه با حجاب است. جاسوس‌های دشمن، دستگاه‌های جاسوسی دشمن، دنبال این قضیه هستند. اگر بدانند، حتماً نمی‌کنند. به هر حال، این مسئله قطعاً حل خواهد شد. امام، در اولین هفته‌های انقلاب، مسئله حجاب را الزاماً و قطعاً بیان کردند؛ جزو کارهای اوایل امام را حل (رضوان...) علیه) این بود. حالا هم حل خواهد شد ان شاء... منتها همه توجه داشته باشند که دشمن با نقشه و برنامه‌وار دین کار شده، ما هم باید با برنامه و نقشه‌وار دینشویم؛ کارهای بی‌قاعده و بدون برنامه نباید انجام بگیرد. مسئولان برنامه داشته باشند و دارند؛ ان شاء... این کار با برنامه دنبال بشود». بخش مهمی از آن چه که مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت، یعنی کار «باقاعده» و «با برنامه» در حوزه حجاب، در محدوده جهاد تبیین قرار می‌گیرد؛ رویکردی مبتنی بر یک حرکت ایجابی که می‌تواند کارآمدی و کارایی بسیاری در تنویر افکار عمومی داشته باشد. نتیجه حاصل از این رویکرد، به‌ویژه در میان نسل جوان و نخبه، اسباب ایجاد یک فرهنگ پایدار می‌شود که در برابر آسیب و نفوذ، مقاومتی به مراتب بیشتر و بهتر از نتایج حاصل از حرکت‌های سلبی و دستوری دارد. در این زمینه، مبلغان دین، روحانیون و جوزویان، باید نقشی محوری ایفا کنند. این جامعه شریف، به حکم مسئولیتی که بر عهده دارد، موظف است پرچم این حرکت ایجابی را به دوش بگیرد و با استفاده از ظرفیت ادله اقناع‌کننده برای پاسخگویی به نیازهای فکری نسل جوان و نخبه، به ایفای نقش در این جبهه سرنوشت‌ساز بپردازد. با عنایت به این مسئولیت راهبردی و مهم، در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌المسلمین محمد الهی خراسانی، به بررسی و بازشناسی ادله‌ای پرداختیم که می‌توان از آن‌ها، در تبیین ضرورت حجاب در جامعه بهره برد. آن‌چه در ادامه می‌خوانید، مشروح صحبت‌های ما با این کارشناس نام‌آشنای مذهبی است.



بحث ما درباره ادله تبیین ضرورت حجاب در جامعه است؛ ادله‌ای که بتوان آن‌ها را برای اقناع نسل جوان و به‌ویژه نخبگان دانشگاهی ارائه کرد؛ ادله‌ای که فضایی حوزوی ما بتواند با تکیه بر آن‌ها، گام مؤثری در نهادینه کردن مفهوم ضرورت حجاب در جامعه اسلامی ایران بردارد. به نظر شما، این ادله کدام‌اند و الگوی عرضه و ارائه آن‌ها چیست؟

به نظر می‌رسد ما در بحث تبیین ضرورت حجاب برای جامعه و به‌ویژه نخبگان دانشگاهی، می‌توانیم از سه رویکرد متفاوت با یکدیگر استفاده کنیم. رویکرد نخست، ناظر به نهاد خانواده است؛ می‌گوییم رعایت حجاب از این نظر اهمیت دارد که به حفظ و تقویت نهاد خانواده کمک می‌کند. طبعاً این رویکرد، به یک توضیح منطقی هم نیازمند است. بی‌حجابی زمینه را برای تحریک احساسات و غرایز در زن و مرد، در فضایی خارج از خانواده، فراهم می‌کند. این امری بدیهی است و به توضیح چندانی نیاز ندارد و که وقتی مرد یا زن، بیرون از نهاد خانواده درگیر احساسات و کشش‌های خارج از ضابطه شود، احساسات موجود درون نهاد خانواده نیز دچار آشفتنگی خواهد شد و ضربه خواهد خورد. بگذارید به دلیل اهمیت موضوع، بدون تعارف حرف بزنیم؛ آقا یا خانمی که به هر شکل، کشش جنسی بیرون از فضای خانواده را تجربه می‌کند، به همان اندازه در روابط زناشویی با همسرش دچار بحران و مشکل خواهد شد. دلیل آن هم معلوم است؛ شکل‌گیری نهاد خانواده در درجه اول به همین کشش احساسی میان

امروزه در خیلی از کشورهای غربی به این نتیجه رسیده‌اند که برای پر بارتر شدن فضای آموزش و پژوهش، مقررات و نظارت بیشتری روی پوشش دانش‌آموزان و دانشجویان اعمال شود. اصلاً آدم وقتی متن این مقررات را می‌خواند، فکر می‌کند مربوط به مؤسسات آموزشی در جمهوری اسلامی ایران است! اما این مقررات را در دانشگاه‌های بزرگ و قدیمی غرب، مثل دانشگاه هاروارد وضع و اجرا کرده‌اند. این مقررات در برخی موارد بسیار سخت‌گیرانه است؛ مثلاً اجازه پوشیدن دامنی کوتاه‌تر از یک اندازه معین را به کسی نمی‌دهند. خب چرا باید در دانشگاهی که اساساً در آن اعتقادی به حجاب، در شکل و الگویی که ما می‌گوییم وجود ندارد، چنین مقررات سخت‌گیرانه‌ای را وضع و اجرا کنند؟! این اقدام یک دلیل بیشتر ندارد؛ محیط، محیط علمی است و در محیط علمی، دانشجو و استاد باید از تمرکز کافی برای آموختن و تحقیق برخوردار باشند